

«هو الحکیم»

عنوان:

پاسخ به شبهه‌ی جبر جغرافیایی زمینه‌ی هدایت



دکتر باقر پورکاشانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْيَاسِرِ اَيُّهَا صَاحِبُ الزَّمَانِ



『@SERATEHAGHI』

گاهی اوقات سؤال می‌شه می‌گن که خب دین، مذهب، عقیده، يك امر
جغرافیایی هست!

یعنی فرض بکنید که اگر شما در تایلند به دنیا می‌اومدی، باید بودیسم
بودی!

اگر شما در عربستان بودی، خب مسلمان بودی و باید سنی بودی!
اگر چنانچه در ایران بودی، خب چون اکثریت مسلمان و شیعه هستن،
طبیعتاً احتمال شیعه بودن خیلی بود!

اگه در هندوستان بودی، خب چون هندوئیسم زیاد داره، ممکنه هندوئیسم
بودی! یا سیکیسم بودی! یا جینیسم بودی!

در هر حال جاهای مختلف، پدر و مادرت هرچی بود تو هم همون
می‌شدی!

و ما چند درصد افراد داریم که تحقیق و بررسی کرده باشن در دین
خودشون، در عقیده‌ی خودشون؟ خیلی کم هستن! خیلی اندک هستن!
و افراد از همون پدر و مادری که به دنیا میان، هر عقیده‌ای که داشته به
همون عقیده ادامه می‌ده مسیر اون‌ها رو، و به همون عقیده از دنیا می‌ره.

خب ما می‌بینیم که بعضی ادیان وقتی بررسی می‌کنیم غیر از ادیان
ابراهیمی، می‌بینیم يك مسائل سخیفی هست، يك چیزهایی رو مقدس
می‌دونن!

يك کارهایی رو انجام می‌دن که اساساً نه با فطرت انسان، نه با عقل انسان،
نه با سرشت انسان سازگاری نداره!

يك تفکراتی دارن که ضدیت با عقل داره!

خب این جا چی جواب می‌دیم؟
 می‌گیم تقدیر خب بله! آیا در چه زمانی ما بیایم؟ آیا از ما سؤال شده؟
 سؤال نشده! آیا در چه مکانی به دنیا بیایم؟ آیا از ما سؤال شده؟ سؤال
 نشده!

پدر و مادر ما کی باید باشه؟ چه دینی باید داشته باشه؟ آیا از ما
 سؤال شده؟ سؤال نشده که! خب این چه جور می‌شه؟ این آیا تبعیض
 نیست؟

خب يك نفر فرض بکنید که الان تشیع، تنها راه حق هست، چون
 بالاخره ما قائل به پلورالیسم دینی نیستیم، کثرت‌گرایی نیستیم که! يك
 مسیر بر حق هست. اسلام دارای مذاهبی هست؛ خب این‌ها ضد و نقیض
 هست بین همدیگه، نمی‌تونه همه درست باشه! بله ادیان ابراهیمی، دین
 اسلام، دین تسلیم در ارتباط با تمام ادیان ابراهیمی مطرح بوده؛ یعنی
 مسیحیت هم دین تسلیم هست، یهودیت هم دین تسلیم هست، اسلام هم
 چنین هست.

اما بالاخره دستخوش تحریف واقع شده، الان ما نمی‌تونیم بگیم همه‌ی
 این‌ها درست هستن! شما نگاه کنید در مورد خداشناسی، مسیحیت قائل
 به تثلیث هستن، جمع تثلیث با توحید چیه؟
 هیچ قابل جمع نیست!

پس نمی‌تونیم همه‌ی این‌ها رو ما به حق بدانیم! اگر چنین کاری رو انجام بدیم، به تناقض می‌خوریم؛ با ام‌القضا یا، اجتماع نقیضین، به تناقض می‌خوریم. یعنی در عین اینکه خدا سه تا باشه، قائل به تثلیث باشیم، که خود همین تثلیث، سه‌گانه‌پرستی در عین اینکه يك حقیقت واحد هست، در اسلام اصلاً این حرف‌ها رو گذاشتن کنار. خب این‌جا وقتی نگاه می‌کنیم شرایط هدایتی متفاوت هست. بعد هم می‌فرمایند که آقا این الان مسلمون باید باشه، شیعه باید باشه، این وارد بهشت می‌شه، خب این‌های دیگه چیکار باید بکنیم این افراد؟ داین‌ها که به اختیار خودشون که در شکم، در صلب يك پدر و مادر آتئیستی یا مشرکی یا کافری یا مسیحی یا یهودی یا زرتشتی، این‌ها نبوده که! به جبر بوده! بعدش هم می‌گه خب می‌تونه تحقیق بکنه، بله می‌تونه تحقیق بکنه! اما اگر چنانچه در يك خانواده‌ی شیعه و مسلمان بود، کار راحت‌تر برایش نبود؟ چند درصد از این شیعه‌ها مگه دارن تحقیق می‌کنن، بررسی می‌کنن دین خودشون رو ببینن درسته یا نادرست؟! خب بدون تحقیق، تقلیدی می‌رن، مؤمن هم از دنیا می‌رن! اما مؤمن ضعیف! اما اون بنده‌ی خدا چی؟ مؤمن از دنیا نرفته که! خب کسی که بت پرست بوده فرضاً در قرن‌های مختلف، اینکه مؤمن از دنیا نرفته! و خداوند متعال این‌ها رو قرار داده! این شبهه‌ی بسیار مهمی هست! و این پاسخش وقتی فهمیده می‌شه که جهت تقدیر رو ما بتونیم بفهمیم. یعنی این قدر مهمه بحث تقدیر! پاسخ اینه که قبل از این عالم، ما امتحاناتی شدیم! ببینید ما عالمی داشتیم به اسم عالم ذر. يك آیه‌ای هم هست در سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف آیه‌ی ۱۷۲. روایات عالم ذر به قدری کثرت داره، اصل عالم ذر بی‌شک تواتر معنوی هست! یعنی شیخ حر عاملی می‌فرمایند بیش از هزار حدیث در خصوص عالم ذر ما داریم؛ در خصوص عالم ارواح هم همین‌طور. حتی کسانی که با مبانی فلسفی‌شون ناسازگار بوده عوالم قبل از این عالم، نتونستن کثرت و تواتر عوالم قبل از این عالم و روایاتش رو انکار بکنن! مثلاً ما می‌بینیم که مرحوم آخوند ملاصدرا صراحتاً می‌گه روایاتی که در خصوص عالم ارواح هست، این‌ها متواتر هست؛ حتی در جای دیگه تعبیر فوق تواتر کردن! این روایت‌ها هست.

«خَلَقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَبْدَانِ بِالْفَنَى عَامٌ» دو هزار سال قبل از خلقت ابدان، این ارواح به این زمین بیان، ارواح رو می‌گه ما خلق کردیم؛ در عالم ارواح بودن. خب اون‌جا چه جوری بوده؟ آیا اصل اختیار بوده؟ بله اختیار بوده! آیا امتحان شدن؟ امتحان شدن! آیا تکلیف بوده؟ تکلیف بوده! اگر رجوع بفرمائید در گسترده روایاتی که محدثین شیعه در خصوص عالم ذر و عالم ارواح آوردن که عرض کردم که تعبیر به فوق تواتر شده نسبت به این روایات! می‌بینیم که بله اون‌جا امتحانی صورت گرفته؛ گروهی از امتحان سربلند بیرون اومدن، گروهی امتحان رو خراب کردن! در عالم ذر، گروهی قَالُوا بَلَى گفتن، گروهی قَالُوا بَلَى نگفتن! گروهی در قَالُوا بَلَى گفتن تأخیر داشتن! متفاوت هست روایات. بر این اساس و نحوه‌های دیگه‌ای که در اون عوالم بوده، امتحان شدن. خب وقتی امتحان شدن، خداوند متعال فرصت دیگه‌ای به این‌ها داده که در این دنیا بیان؛ یعنی عالم ارواح رو قرار داد، عالم ذر رو قرار داد؛ فرصت دیگه‌ای داده در این دنیا بیان. حالا اینکه افراد در چه جایگاهی قرار گرفتن؟ در چه زمانی اومدن؟ در چه مکانی اومدن؟ در چه صلبی قرار گرفتن؟ در چه رحمی قرار گرفتن؟ در چه شرایطی به دنیا اومدن؟ این‌ها به چی برمی‌گرده؟ بله جبر هست، خدا قرار داده، اما برمی‌گرده به تقدیر که خداوند بر اساس فعل موجود مختار قرار داده! یعنی اون‌هایی که در عوالم قبل درست عمل کردن، خداوند متعال در این عالم جهت هدایتی رو برای این‌ها سهل و راحت قرار داد؛ و اون‌هایی که در عوالم قبل بد عمل کردن چه کار کرد؟ اومد این‌جا فرصت دیگه‌ای بهشون داد، اما زمینه‌ی هدایتی شون دشوار بود! به جبر قرار داد اما جبری که گتره‌ای نبوده، دل‌بخواهی نبوده! بر اساس عملکرد اون موجود مختاری که در عوالم قبل بوده، بر همون اساس اومد در این عالم اون‌ها رو در شرایط متفاوت قرار داد. اما خب کار برایشون دشوارتره بی‌شک! اون زمان ما مدرسه که می‌رفتیم، ما مسائلی داشتیم می‌گفتن ثلث اول! ثلث دوم! ثلث سوم! الان این تعبیرات رو نمی‌کنن جور دیگه در نظر می‌گیرن. خب ببینید کسی که ثلث اول رو ۱۵ می‌گیره، ثلث دوم رو ۱۶ بگیره، ثلث سوم يك ۱۵ هم می‌گرفت قبول بود. اما کسی که ثلث اول رو ۷ می‌گیره، ثلث دوم رو ۸ می‌گیره، این ثلث سوم باید ۱۵ بگیره که قبول بشه تجدید نشه! کار، کار، سختیه!

خب می‌گه آیا این عدالت هست یکی با ۱۰ قبول بشه یکی باید ۱۵ بگیره؟

می‌گی بله! چرا عدالت نباشه! به خاطر اینکه اون ثلث اول و دوم خوب عمل کرده، این یکی ثلث اول و دوم خوب عمل نکرده، کار براش مشکل‌تر شده!

اساساً در همون دو تا امتحان عالم ذر و عالم ارواح بود، می‌تونست بهشتی از جهنمی مشخص بشه اما خداوند باز فرصت داد! فرصت داد در این عالم آورد افراد رو، شرایط رو متفاوت قرار داد! تفاوت شرایط! تفاوت در امر هدایت!

در رسیدن به حق! در خانواده‌ای که متدین باشه و چنین و چنان باشه! این‌ها برمی‌گرده به چی؟ به عملکرد عبد در عوالم قبل. پس چنین تقدیری هم الان مطرح شد. مثلاً ما می‌بینیم که در خصوص حضرات معصومین علیهم‌السلام، خب روایات فراوانی داره. این‌ها در عالم ذر امتحان شدن؟ بله! در عالم ارواح امتحان شدن؟ بله! جزء بالاترین نمرات رو گرفتن!

جزء اولین کسانی بودن که در قَالُوا بَلَى گفتن در پذیرش بسیاری از امور ایثار و فداکاری در امر هدایت، در همان عوالم پذیرفتن! حالا من وارد اون روایات نمی‌شم، که وقتی که خداوند متعال می‌فرماید که در این عالم ظلمتی فرا گرفته، تیرگی فرا گرفته، کی حاضر هست که به شهادت کلیه‌ی این تیرگی رو برطرف بکنه؟

اون‌جا وجود نازنین سیدالشهداء علیه‌السلام، این مسئله رو قبول می‌کنن! در این خصوص روایاتی ما داریم؛

در خصوص روایات ذر و عالم ارواح در مورد ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام فراوان داریم!

عرض کردم کتاب عربی مجموعه‌اش در بحار جمع شده؛ کتاب دیگه‌ای هم علامه‌ی مجلسی دارن - حیات القلوب - به زبان فارسی خودشون روایت‌ها رو ترجمه کردن. به اون روایت‌ها وقتی رجوع بفرمائید بحث عالم ذر، عالم ارواح، بحث طینت، امتحاناتی که شده تمام این‌ها رو ایشان روایت‌هاش رو ترجمه کرده و به تفصیل توضیح دادن. مثلاً ببینید ما یک سری روایت‌هایی داریم که می‌گن افرادی که نطفه‌ی نادرست دارن، خب این‌ها خیلی کار براشون مشکل هست! این‌ها به سمت بدی‌ها کشش دارن، این‌ها نمی‌توانند در بدو امر، علاقه‌مند به انبیاء و اولیاء و خوبی‌ها بشن! زمینه‌ی بدی براشون بیشتر هست! خب بعد می‌گه آقا این تو روایت‌ها گفته ولد زنا، این ولد زنایی که بوده مگه این خودش مقصر بوده؟ پدر و مادر خلافی کردن!

این زن و مرد اجنبی خلافی کردن، نطفه‌ی این فرد منعقد شده بعد این چنین تأثیراتی رو باید این داشته باشه! چرا؟ چرا باید چنین چیزی باشه؟

خب بله اشکال، اشکال مطرحی هست! اما غافل از اینکه اگر توجه بکنیم به روایاتی که در خصوص قبل از این عالم هست، چرا خداوند روحی که در عالم ارواح هست در جنینی قرار می‌ده که این توسط یک زن و مردی که امر خلاف شرع انجام دادن، این جنین به وجود اومده! چرا باید تعلق بگیره؟

این برمی‌گردد به امتحانات نادرستی که اون روح در عوالم ارواح داشته، لذا مستحق این جایگاه شده! اما خب یک نفری که نطفه‌اش خراب باشه نمی‌تونه خوب بشه؟ نمی‌تونه به سمت خوبی‌ها بیاد؟

کار مشکله ولی می‌تونه. اختیار داره!

اختیار یعنی انجام بر فعل و ترك برای اون معنا می‌ده.